

پنجاه ادیان و فرق

۱۹

sarabehaghighat.ir

ماهنامه اینترنتی ادیان و فرق / شهریور ۱۴۰۵ / شماره نوزده / قم

پرونده ویژه:

سیره هارون^(ع) در حفظ وحدت میان بنی اسرائیل؛ الگویی برای وحدت اسلامی



فهرست

یادداشت سردبیر.....	۱
وحدت؛ از همدلی تا هم افزایی امت اسلامی.....	۱
سیره هارون (ع) در حفظ وحدت میان بنی اسرائیل.....	۳
پیکرواحدا مت؛ افق های همبستگی در پرتو سنت نبوی.....	۴
مصاحبه ماهنامه پندار با حجت الاسلام دکتر احمد کوثری.....	۶
مقدمه.....	۶
حلقه گمشده در بحث وحدت اسلامی چیست؟.....	۶
آیا اجتماعی سازی وحدت، امکان پذیر است؟.....	۷
در مورد کتاب ها و فعالیت های تان در حوزه وحدت کمی توضیح دهید؟.....	۹
نقاط اشتراک شیعه و سنی در چیست؟.....	۱۱
ارزیابی شما از وحدت بین شیعه و سنی در جنگ های اخیر چیست؟.....	۱۲
آیا برای انتشار همدلی میان شیعه و اهل سنت کاری شده است؟.....	۱۳
تعاملات علمی عالمان شیعه و اهل سنت.....	۱۴
شیخ مفید.....	۱۴
سید رضی.....	۱۴
سید مرتضی.....	۱۵
شهید اول.....	۱۵
برداشت نادرست از وحدت اسلامی.....	۱۵
اصل وحدت؛ [همگرایی در برابر دشمن مشترک].....	۱۶
فرع وحدت؛ [ابزارهای تقویت همگرایی].....	۱۶
هدف وحدت؛ [از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی].....	۱۷
وحدت؛ [مقدمه تحقق تمدن نوین اسلامی].....	۱۸
نتیجه گیری.....	۱۸



حجت السلام حسین مردان پور

«وحدت»؛ از همدلی تا

هم افزایی امت اسلامی

● یادداشت سردبیر

در برهه‌ای که جهان اسلام با بحران‌های چندلایه سیاسی، اجتماعی و امنیتی دست به گریبان است، وحدت اسلامی دیگر شعاری مناسبی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی برای صیانت از عزت و آینده امت است. اختلاف علمی و تنوع مشروع دیدگاه‌های فقهی و کلامی، تا زمانی که در چارچوب گفت‌وگو بماند، نشانه پویایی تمدن اسلامی است؛ اما اگر به عصبیت و دشمنی میان مسلمانان بدل شود، سرمایه‌های امت را می‌فرساید و راه را برای سلطه بیگانگان هموار می‌کند.

یکی از مهم‌ترین موانع تحقق وحدت، برداشتی نادرست از ماهیت آن است. وحدت اسلامی به معنای حذف مذاهب یا ذوب شدن هویت‌های مذهبی نیست؛ قرآن کریم نیز وحدت را نه در همسانی کامل، بلکه در تمسک جمعی به ریسمان الهی معرفی می‌کند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱؛ «وهمگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید». بر این اساس، شیعه و اهل سنت می‌توانند با پایبندی به مبانی مذهبی خویش، بر مدار برادری دینی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۲، در مسائل مشترک امت، کنار هم بایستند. آنچه باید کنار گذاشته شود، نه هویت مذهبی، بلکه تعصب جاهلی و استحاله اختلاف علمی به نزاع اجتماعی است.

امیرالمؤمنین علی(ع) در خطبه قاصعه، بامرو

سرگذشت امت‌های پیشین، نشان می‌دهد الفت بر محور دین زمینه‌ساز عزت و امنیت بوده و تفرقه به زوال نعمت‌ها انجامیده است؛ هشداری که با فرمان قرآن هم‌آواست: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۳؛ «ونزاع مکنید که سست می‌شوید و هیبتتان از میان می‌رود».

سیره حضرت هارون(ع) نیز درسی ژرف دارد: در غیاب موسی(ع) و در برابر فتنه گوساله‌پرستی، هارون(ع) با آنکه قوم را بر حذر داشت، از رویارویی قهرآمیزی که می‌توانست به خون‌ریزی درون گروهی بینجامد پرهیز کرد و علت را چنین بیان داشت: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ»^۴؛ یعنی گاه نخستین وظیفه رهبری دینی در بحران، پیشگیری از استحاله اختلاف اعتقادی به شکاف اجتماعی است.

سنت نبوی نیز جامعه مؤمنان را پیکری واحد می‌داند: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِّهِمْ... مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى»^۵؛ نگاهی که اگر نهادینه شود، رنج هر مسلمان را دغدغه مشترک همه مسلمانان می‌سازد.

۱. آل عمران؛ ۱۰۳.

۲. حجرات؛ ۱۰.

۳. انفال؛ ۴۶.

۴. طه؛ ۹۴.

۵. بخاری، ج ۶۰۱؛ مسلم، ج ۲۵۸۶.

تاریخ نیز گواه آن است که اختلاف مذهبی الزاماً مانع تعامل علمی نیست؛ نمونه‌های فراوانی از داد و ستد علمی میان عالمان شیعه و اهل سنت در طول قرون ثبت شده که نشان می‌دهد اختلاف، هرگاه با علم و احترام متقابل مدیریت شود، می‌تواند به غنای مشترک بدل شود.

امروز نیز امت اسلامی با مسائل مشترک فراوانی روبه‌روست؛ از دفاع از مظلومان و سرزمین‌های اشغالی تا مقابله با استکبار و عقب‌ماندگی علمی. وحدت حقیقی آن است که این ظرفیت‌ها از حالت شعاری خارج شده، به همکاری عینی بدل شود؛ چرا که تمدن نوین اسلامی، با شعار پدید نمی‌آید و نیازمند پیوند ساختاری میان ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان است.

اختلاف می‌تواند واقعیتی تاریخی و فقهی باشد، اما تفرقه انتخابی اجتماعی و سیاسی است؛ میان این دو فاصله‌ای بسیار است. می‌توان متفاوت اندیشید، اما برادر ماند؛ می‌توان در مسائل اعتقادی به گفت‌وگوی علمی پرداخت، اما در برابر دشمن مشترک صفوف را منسجم نگاه داشت. امید آن است که این شماره، گامی در جهت تصحیح نگاه به وحدت و تقویت برادری دینی باشد؛ چرا که آینده جهان اسلام، بیش از میزان اختلافات ما، به نحوه مدیریت آن‌ها وابسته است.

نام نشریه: ماهنامه پندار / **موضوع:** بررسی و نقد ادیان، فرق و جریانات انحرافی / **صاحب امتیاز:** گروه فرهنگی تبلیغی سراب حقیقت / **مدیر مسئول:** محمد جواد نصیری / **سردبیر:** حجت الاسلام مردان‌پور / **صفحه آرایی:** محمد محمدی / **هیئت تحریریه:** اعضای هیئت تحریریه اندیشکده پندار؛ حجج اسلام حسین مردان‌پور، علیرضا روزبهانی، مهدی بیاتی، سعید صدری، حسین عرب و آقایان امین رضایی‌نژاد، محمد جواد نصیری، عبدالله غفاری و ساسان علیمزادی

راه‌های ارتباطی پیام‌رسان ایتا: @raherahaei

آدرس سایت، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی:

sarabehaghighat.ir
aparat.com/sarabehaghighat
@sarabehaghighat



سیره هارون (ع) در حفظ «وحدت» میان بنی اسرائیل؛ الگوی برای وحدت اسلامی

حجت الاسلام عطا الله غفاری



اپژوهشگر نقد و وهابیت و جریان های تکفیری

وقتی بازگشت حضرت موسی (ع) از طور به درازا کشید، سامری با این تصور که موسی (ع) از دنیا رفته است، از فضای پیش آمده سوءاستفاده کرد و با ساختن گوساله ای طلایی، مردم را به انحراف کشاند. بنی اسرائیل نیز با تبعیت از او، به گوساله پرستی روی آوردند. هارون (ع) کوشید از این انحراف جلوگیری کند؛ اما بنی اسرائیل به جای پیروی از هارون (ع)، اسیر فتنه سامری شدند، تا آنجا که چیزی نمانده بود او را به قتل برسانند.^۱

در اینجا هارون (ع) بر سر دوراهی «انحراف زدایی از جامعه» و «حفظ انسجام میان بنی اسرائیل» ماند. اما او می دانست مقابله بیشتر با این انحراف، چیزی جز بروز فتنه ای داخلی به دنبال نخواهد داشت؛ از این رو از روشنگری بیشتر در این باره دست کشید و همت خویش را به

حفظ اتحاد میان بنی اسرائیل معطوف کرد. حضرت موسی (ع) که بازگشت و دید مردم گرفتار گوساله پرستی شده اند، هارون (ع) را مؤاخذه کرد.^۳

هارون (ع) در دفاع از خود گفت: «يَا اِبْنَ اُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي اِنِّي خَشِيتُ اَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِیْلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي»^۴؛ «ای پسر مادرم! نه ریش مرا بگیر و نه سرم را؛ من ترسیدم بگوئی: میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا در حفظ وحدت آنان رعایت نکردی.»

برای روشن شدن مطلب، باید گفت حضرت موسی (ع) پیش از رفتن، به هارون (ع) سفارش کرده بود که میان بنی اسرائیل صلح برقرار کند و از بروز فساد جلوگیری نماید.^۵

هارون (ع) نیز با تکیه بر همین سفارش

۱. طه: ۹۰؛ «يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَاطِيعُوا أَمْرِي.»

۲. اعراف: ۱۵۰؛ «إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي.»

۳. اعراف: ۱۵۰. «وَأَلْقَى الْأُلُوحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ.»

۴. طه: ۹۴.

۵. اعراف: ۱۴۲؛ «قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ.»



جشن وحدت کردستان - ۸ شهریور ۱۴۰۵

پیکر واحد امت؛ افق‌های هم بستگی در پرتو سنت نبوی



حجت الاسلام وحید خورشید

اعضو گروه امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

امت اسلامی، امتی یگانه است. چرا که هر چند گروه‌ها و قبایل مختلفی دارد و زبان‌ها و رنگ‌هایشان متفاوت است، اسلام حنیف میان مسلمانان پیوند برادری دینی برقرار کرده که با آن، همه تفاوت‌ها رنگ می‌بازد. به برکت دعوت پیامبر (ص) به برادری دینی، جامعه اسلامی به یکپارچگی هم‌دلانه دست یافت؛ چرا که مسلمانان، دارای مشترکات فراوانی هستند. از نگاه نبوی، تمام جامعه اسلامی همچون یک پیکر واحدند که اگر عضوی از آن

گفت: اگر بیش از این در برابر این انحراف موضع می‌گرفتم، بنی اسرائیل دو دسته می‌شدند؛ عده‌ای از من پیروی می‌کردند و عده‌ای دیگر به مخالفت با من برمی‌خاستند و در نتیجه جنگی داخلی در می‌گرفت.^۱ در حالیکه تو از من خواسته بودی وحدت میان آنان را حفظ کنم؛ از این رو، برای حفظ این یکپارچگی، چند روزی آنان را به حال خود واگذاشتم تا شاید خود به اشتباهشان پی ببرند.^۲

بنابراین باید توجه داشت هارون (ع)، در آن چند روزی که مسئولیت اداره بنی اسرائیل را برعهده داشت، می‌دانست اگر بیش از این در برابر آنان بایستد، توحید و انسجام داخلی را یکجا از دست خواهند داد. از این رو با حفظ وحدت، چند روزی درنگ کرد تا رهبر اصلی جامعه بازگردد و اصل توحید زنده بماند. در واقع، این وحدت خود مقدمه‌ای برای حفظ اصل توحید شد.^۳

امت اسلامی امروز نیز در وضعیتی مشابه قرار دارد و نباید اجازه دهد اختلاف مذهبی میان مذاهب اسلامی به فتنه و در نتیجه انشقاق میان مسلمانان بینجامد؛ نتیجه‌ای که جز شادی دشمنان و سلطه هرچه بیشتر آنان بر ممالک اسلامی به همراه نخواهد داشت.

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۶، ص ۲۳۶؛ جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۵۵، ص ۲۱۰.

۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۴؛ ذیل طه: ۹۴؛ «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتُ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي».

۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۵۵، ص ۲۱۴.



به درد آید، سایر اعضا با بی خوابی و تب با آن هم دردی می کنند. پیامبر (ص) درباره این که مؤمنان با یکدیگر مانند یک جسدند و باید نسبت به هم محبت داشته و یاری رسان یکدیگر باشند، می فرماید:

«تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاخُمِهِمْ وَ تَوَادِّهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى عُضْوًا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالشَّهْرِ وَالْحُمَّى»؛^۱ «مؤمنان را در مهرورزی، همدلی و دوستی شان همچون پیکری واحد می بینی که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضای پیکر با بی خوابی و تب با آن هم دردی می کنند.» در سفینه البحار نیز روایتی نزدیک به این مضمون از زبان مبارک نبوی نقل شده است: مؤمنان در مهرورزی و همدردی با یکدیگر، همچون پیکری واحدند که اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا نیز بی تاب می شوند.^۲

این روایات، وحدت و همبستگی جامعه مؤمنان را به بدن انسان تشبیه می کنند که اعضای آن به هم پیوسته اند و رنج یکی، بر دیگران نیز اثر می گذارد؛ تشبیهی که ضرورت همدردی، تعاون و مسئولیت پذیری اجتماعی در اسلام را نشان می دهد. این بیانات نبوی، نه فقط یک توصیه اخلاقی، بلکه منشوری علمی برای تمدن سازی است که برای احیای امت اسلامی در عصر معاصر، نقشه راهی جامع و مبتنی بر فطرت انسانی ارائه می دهد؛ هر گونه انحراف از آن، به بیماری پیکر امت و در نهایت به تضعیف تمدنی می انجامد.

به دلیل اهمیت فراوان پیوند برادری در اسلام، در قرآن کریم واژه های «نفس» (خود) و «أخ» (برادر) بسیار به کار رفته و مراد از آن، برادران دینی است؛ چنان که خداوند می فرماید:

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ»^۳؛ «و [یاد کنید] هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از خانه هایتان بیرون نکنید؛ سپس شما اقرار کردید و خود گواهید.»^۴

در این آیه، «أنفسکم» به معنای «برادران خود» تفسیر شده است؛ یعنی برادران دینی خود را از خانه هایشان بیرون نکنید.^۵ بنابراین از منظر نبوی، امت اسلامی پیکری واحد است که رنج هر عضوی، واکنش کل بدن را برمی انگیزد؛ این تشبیه نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه نقشه راهی تمدنی برای بقا و عزت اسلام است. همدردی، تعاون و مسئولیت متقابل، رمز تحقق «امت واحد» در عصر کنونی است.

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب رحمة الناس والبهائم، حدیث ۶۰۱۱، ص ۱۵۰۸.

۲. قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶.
۳. بقره: ۸۴.

۴. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، تفسیر البحر المحیط، ج ۱، ص ۴۵۷.



جشن وحدت ارومیه - ۸ مهر ۱۴۰۲

مصاحبه ماهنامه پندار با حجت الاسلام دکتر احمد کوثری

رئیس مؤسسه سراج منیر توحید قم و
مدیر گروه امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

توفیق داشتیم به مناسبت ایام ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع)، در خدمت حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوثری، رئیس مؤسسه سراج منیر توحید قم و مدیر گروه امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم (ع) باشیم. ایشان از اساتید برجسته در زمینه نقد وهابیت و جریان های تکفیری هستند که سال ها است، افزون بر فعالیت های علمی در این حوزه، کارهای میدانی بسیار موفق نیز در زمینه وحدت مذاهب اسلامی داشته اند.

خبرنگار:

همین جا از اینکه حضرتعالی با وجود مشغله فراوان، زحمت پذیرفتید و این زمان را اختصاص دادید تا از طرف مرکز عملیاتی فام

حوزه های علمی و ماهنامه پندار، این مصاحبه را در خدمت شما انجام دهیم، تقدیر و تشکر می کنم.

حجت الاسلام دکتر کوثری:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. الصلاة والسلام على نبينا و سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين. من هم ايام ميلاد باسعادت رسول اکرم (ص) و امام صادق (ع) و هفته وحدت را خدمت شما و همه مسلمانان تبریک عرض می کنم.

سؤال:

حاج آقا، به نظر حضرتعالی، آن حلقه گمشده ای که در بحث وحدت اسلامی وجود دارد، چیست؟

پاسخ:

یکی از برنامه هایی که در هفته وحدت اجرا می شود و بسیار مفید و سودمند است، همایش هایی است که مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در نقاط مختلف کشور برگزار می کند. برگزاری این گونه همایش ها برای کنار هم نشستن



جشن وحدت گلستان - ۸ شهریور ۱۴۰۵

رهبر شهید معتقد بودند اگر ۱۰ سال به همین شکل کار شود، تشکیل امت اسلامی محقق خواهد شد. اگر به مدت ۱۰ سال، مطبوعات جهان اسلام درباره اتحاد اسلامی مقاله بنویسند، شاعران شعر بگویند، استادان دانشگاه تحلیل کنند و عالمان دینی حکم صادر کنند، بدون تردید وضعیت به کلی دگرگون می‌شود و با بیداری ملت‌ها، دولت‌ها نیز ناچار به حرکت در مسیر خواست آنان می‌شوند.

سؤال:

آقای دکتر، آیا اجتماعی‌سازی وحدت و آوردن آن در شئون اجتماعی و زندگی مردم، واقعاً با عمل ما به باورهای مذهبی خودمان همخوانی دارد؟ یعنی می‌شود هم شیعه، شیعه بماند و سنی، سنی بماند، اما در عین حال این قدر هم عمیق به وحدت نگاه شود؟ ببینید، امام شهید درباره این مباحث بسیار سخن گفته‌اند. متأسفانه مهم‌ترین مسئله‌ای که اکنون مغفول واقع شده،

۱. بیانات رهبر شهید امت در تاریخ ۱۴۰۳/۰۱/۰۶.

علمای مذاهب مختلف و شناخت بهتر مذاهب اسلامی از یکدیگر بسیار مفید است؛ اما به نظر بنده، صرف برپایی این گونه همایش‌ها، نتیجه‌ای را که مدنظر امام راحل و امام شهید ما بود، حاصل نمی‌کند. به یاد دارم امام شهید، یکی دو سال پیش، فرموده بودند: مشکلاتی که امروز در دنیای اسلام می‌بینید، مانند مسئله فلسطین یا حمله دشمن به یمن، به این دلیل است که ما هنوز امت اسلامی نیستیم. «ما امروز فاقد امت اسلامی هستیم. کشورهای اسلامی زیادند، نزدیک به دو میلیارد مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند، اما عنوان «امت» را نمی‌توان بر این مجموعه گذاشت؛ چون هماهنگ نیستند، چون یک جهت نیستند. «امت» یعنی مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک جهت، به سوی یک هدف، با یک انگیزه دارند حرکت می‌کنند؛ ما این جور نیستیم، ما متفرّقیم!»

به اعتقاد من باید وحدت، اجتماعی‌سازی شود؛ یعنی باید طوری برنامه‌ریزی و عمل شود که تحقق وحدت اسلامی و ایجاد تمدن، دغدغه مردم جامعه باشد و برای تحقق آن ورود پیدا کنند. لذا در مسئله وحدت، جای این کار خالی است و کاری برای آن صورت نگرفته است.



جشن هفته وحدت تربت جام - ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

منظومه فکری ایشان است؛ به ویژه منظومه فکری ایشان در بحث وحدت. چرا که برخی، تک جمله‌هایی را از ایشان [آن هم تحریف شده] نقل می‌کنند و به آن‌ها استناد می‌کنند. برخی جریان‌ها، حتی جریان‌های ضد وحدت، وقتی دیدند با مباحث و سخنان خودشان کار پیش نمی‌رود، شروع کردند به اینکه گلچینی از مباحث امام شهید را به صورت تک جمله و با حذف قبل و بعد آن بیاورند تا وحدت را زیر سؤال ببرند یا در مفهوم وحدت تحریف ایجاد کنند. شما آیات قرآن را هم اگر قبل و بعدش را حذف کنید، معنایش در جاهایی تغییر می‌کند؛ همان گونه که برخی با همین شیوه، به تحریف معنای بعضی از آیات قرآن هم اقدام کرده‌اند.

امام شهید، جمله‌ای دارند که می‌فرمایند: «وحدت به معنای یکی شدن مذاهب نیست؛ به معنای نفی مذاهب نیست.» وحدت به این معنا نیست که ما مذاهب را نفی کنیم؛ اتفاقاً با اثبات مذاهب، مسئله وحدت رونق بیشتری می‌گیرد و مفهوم قوی‌تری پیدا می‌کند. یعنی هر کس در هر جایی که هست، عقیده خودش را داشته باشد و به عقیده خودش عمل کند؛ سنی می‌خواهد سنی بماند، شیعه

می‌خواهد شیعه باشد؛ اما با وجود شیعه و سنی بودن، پایبند به وحدت اسلامی هم باشد. حذف مذاهب، اتهام ناروایی است که وهابیت به شیعه و نظام اسلامی می‌زند؛ وهابیون می‌گویند شیعه، وحدت را حربه‌ای گرفته که با آن اهل سنت را به سمت تشیع بکشاند، در حالی که هدف ما از وحدت این نیست. ما معتقدیم هر کس با هر مذهبی که دارد و به هر مذهب اسلامی که پایبند است، باید این همدلی و مواسات در زندگی و تعایش با سایر مذاهب اسلامی را داشته باشد و بکوشد در کنار هم زندگی خوبی داشته باشند.

این اصل اساسی وحدت است که ما باید به آن توجه کنیم. اتفاقاً اکنون می‌بینیم از مهم‌ترین موانع وحدت، یکی همین جریان وهابیت است. وهابیت، وحدت ستیز است و شعار ضد وحدت می‌دهد؛ برای پیشبرد هدف خود هم می‌گوید با این شکل و سیاق، به این وحدت عمل نمی‌کنم. چرا؟ مشکل کجاست؟ مسئله‌اش نفی مذاهب است؛ چون وهابیت، همه مذاهب جز خودش را



نفی می‌کند. وهابیت می‌خواهد با نفی مذاهب، این‌ها را به سمت لاقیدی و لامذهبی ببرد. حال، مذاهب اسلامی اگر مذهب خودشان را از دست بدهند، چه می‌شود؟ آیا نتیجه‌ای جز نوکری برای استکبار دارد؟ ببینید جریان‌های تکفیری که امروزه تابعین و تربیت یافتگان مکتب وهابیت هستند، بعد از اینکه از مذهب خودشان عبور کردند و به وهابیت پیوستند، چه بلایی بر سرشان آمده؟ آیا خاصیتی جز نوکری آمریکا و اسرائیل دارند؟

پس باید توجه کرد: مراد ما از وحدت این نیست که همه مذاهب کنار گذاشته شوند؛ مراد ما این است که با وجود اختلافات مذهبی، واقعاً در کنار یکدیگر و در برابر دشمن خارجی، متحد باشیم.

سؤال:

حاج آقا، از آنجا که من قدری هم کنجکاو هستم، نگاهی به اتاق کار شما انداختم. ماشاءالله اینجا خودش یک کتابخانه است. برخی از این کتاب‌ها برایم بسیار جالب بود؛ مانند کتاب «بررسی شهادت اهل سنت در جنگ از نگاه مکتب اهل بیت» یا مجله «امت و تمدن». ممکن است درباره این‌ها هم توضیحی بفرمایید؟

پاسخ: بله، این دو کتاب و مجله از نشریات گروه امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم (ع) است. لازم است اینجا توضیحی بدهم: ما در پژوهشکده باقرالعلوم (ع) گروهی داریم به نام گروه امت و تمدن که مدیریت آن با بنده است.

این گروه را خودمان تأسیس کردیم و به دنبال این بودیم که فرمایشات رهبر شهید در بحث وحدت، بر زمین نماند. ایشان فرموده بودند ما باید به سمت امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی برویم. ما نیز در راستای همین فرمایشات امام شهید، گروه امت و تمدن را تشکیل دادیم.

در این گروه، دوماهنامه‌ای به نام «امت و تمدن» داریم که شاید بتوان گفت برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی، نویسندگان شیعه و اهل سنت با هم برای این مجله مطلب می‌نویسند؛ هیئت تحریریه و نویسندگان مجله، هر دوازده شیعه و اهل سنت هستند. می‌خواهیم در جهان اسلام دیده شود که شیعه و اهل سنت کنار هم کار علمی می‌کنند؛ همان آرمان امام شهید که می‌فرمودند اگر می‌خواهیم به سمت تمدن نوین اسلامی برویم، باید



همکاری شیعه و اهل سنت باشد. این بسیار مهم است که ما کنار یکدیگر نشسته ایم و این کار را انجام می دهیم. سخن امام شهید همین بود که باید برویم، با هم همکاری و کار مشترک کنیم؛ نه اینکه شیعه برای خودش کار کند و سنی برای خودش. تا این دو گروه کار مشترک انجام ندهند، به تمدن نوین اسلامی - که امام شهید فرمودند باید به سمت آن برویم - نمی رسیم؛ چرا که تمدن نوین اسلامی بدون وحدت شیعه و اهل سنت محال است. خواستیم به دنیا نشان دهیم که شیعه و اهل سنت عالمانه کنار هم می نشینند و با هم کار می کنند. این مجله از قم منتشر می شود و شیعه و اهل سنت با هم در آن قلم می زنند. ان شاء الله به زودی قرار است به زبان های دیگر نیز ترجمه و منتشر شود؛ به نظر من این نمونه خوبی برای دنیای اسلام است.

کتاب «بررسی شهادت اهل سنت در جنگ از نگاه مکتب اهل بیت» اثر استاد سید مصطفی عبدالله زاده است و اثر بسیار خوب و ارزشمندی است. این کتاب در پاسخ به شبهاتی نوشته شده که برخی مطرح می کنند مبنی بر اینکه اهل سنت اگر در جنگ با دشمن کشته شوند، شهید عند الله نیستند؛ این اثر در پی اثبات این نکته است که در مکتب اهل بیت علیهم السلام،

این افراد شهید عند الله اند. ما در این مملکت شهید مسیحی هم داشتیم؛ کسانی که مسیحی بودند و برای دفاع از میهن رفتند و جان دادند. جالب اینجاست که رهبر شهید هر ساله به منزل آن ها می رفتند و از ایشان به عنوان شهید مسیحی یاد می کردند. اکنون چرا نباید به شهید اهل سنت، شهید گفت؟

طبق آمارها، ما در دفاع مقدس هشت ساله، حدود پانزده هزار شهید اهل سنت تقدیم نظام و مملکت کردیم. در جنگ با داعش در سوریه و عراق نیز برخی از عزیزان اهل سنت آمدند و در این راه شهید شدند؛ ما حتی شهید مدافع حرم از اهل سنت بلوچستان هم داریم. در جنگ دوازده روزه و در جنگ رمضان، شیعه و سنی کنار هم ایستادند و از میهن دفاع کردند و از اهل سنت هم شهیدان بسیاری دادیم. چرا این ها را شهید ننامیم؟

ما در گروه امت و تمدن با چاپ این کتاب در پی اثبات این بودیم که آن فرد سنی، وقتی برای دفاع از کشور، نظام و دین جان خود را از دست می دهد، در مکتب اهل بیت (ع) شهید محسوب می شود.



سؤال:

حاج آقا، ما نقاط مشترک زیادی میان شیعه و اهل سنت داریم؛ مانند خدای واحد، قبله واحد و محبت اهل بیت (ع) که علما در طول ۱۴۰۰ سال به آن‌ها به عنوان وجوه اشتراک پرداخته‌اند. از مسائل روز جهان اسلام، چه چیزی را می‌توانیم به عنوان نقطه اشتراک شیعه و سنی لحاظ کنیم؟

پاسخ:

ببینید، حضرت امام که انقلاب اسلامی را برپا کردند، در اصل پرچم اسلام ناب را بلند کردند و نام آن راهم جمهوری اسلامی گذاشتند؛ صرفاً جمهوری شیعی نگفتند. یعنی بایک فکر بلند، جمهوری اسلامی ایران و اسلام ناب را مطرح کردند. در این اسلام ناب، یک بحث توحید داریم و مسئله مهم بعدی که امام بر آن تأکید داشتند، مقابله با استکبار یا استکبارستیزی بود. به فرموده امام، امروزه با دو اسلام روبه‌رو هستیم: اسلام ناب و اسلام آمریکایی. این تقسیم از حضرت امام راحل است که اسلام را به اسلام آمریکایی و اسلام ناب تقسیم کردند. شما

می‌بینید امام، پرچم اسلام ناب محمدی را که برداشت، روح آن مقابله با استکبار بود؛ در مقابل این اسلام، اسلام آمریکایی بود که اصلاً کاری به استکبارستیزی ندارد. امام می‌فرمودند این کشورهایی که دست در دست آمریکا دارند، بویی از اسلام نبرده‌اند؛ به ظاهر اسلامی هستند اما بویی از اسلام نبرده و عملاً استکبار شده‌اند. لذا مسئله‌ای که امروز بسیار پررنگ است و امام پرچمش را بالا برد و همه آزادگان و مسلمانان دنیا حول آن گرد آمدند، مسئله مقابله با استکبار آمریکاست. امام راحل این پرچم را بلند کردند و امام شهید نیز این راه را ادامه دادند و جبهه مقاومت را در برابر استکبار جهانی به خوبی رهبری کردند. جبهه مقاومت اسلامی که شهید حاج قاسم سلیمانی زیر نظر امام شهید تشکیل دادند، توانست با کنار هم قراردادن سنی و شیعه، داعش را از میان ببرد؛ داعشی که نیروی نیابتی تا بن دندان مسلح صهیونیسم و استکبار جهانی در منطقه بود.



پس امروزه مبارزه با استکبار و اسرائیل، یکی از مهم‌ترین وجوه اشتراک شیعه و اهل سنت است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که مسلمانان می‌توانند با تکیه بر آن در کنار هم بایستند، مسئله فلسطین است. لذا امام شهید فرمودند امروز مسئله فلسطین، مسئله اول دنیای اسلام است؛ چرا که به خاطر فلسطین و مسئله قدس، مسلمانان کنار هم قرار گرفته‌اند و در برابر رژیم صهیونیستی و آمریکا ایستاده‌اند.

سؤال:

آقای دکتر، شما سال‌هاست در زمینه وحدت و تقریب مذاهب، فعالیت‌های علمی و میدانی دارید. این وحدت و همدلی میان شیعه و اهل سنت را در جنگ دوازده‌روزه، جنگ رمضان و شهادت امام امت، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ:

الحمد لله، میزان مشارکت و هم‌افزایی اهل سنت در این دو جنگ و اتفاقات پس از شهادت امام شهید بسیار عالی بود. در این جنگ اخیر ما - جنگ دوازده‌روزه و جنگ

رمضان - شاهد همدلی بسیاری میان دنیای اسلام و جمهوری اسلامی ایران و همگرایی میان شیعه و اهل سنت بودیم. علمای اهل سنت برای امام شهید ما پیام‌ها و تسلیت‌های بسیاری فرستادند؛ از شیخ الازهر گرفته تا مفتی محمد تقی عثمانی، مفتی اول دیوبندیه در پاکستان، تا آقای طارق جمیل، رئیس جماعت تبلیغ در پاکستان، که برای شهادت ایشان گریست. یا مفتی لیبی؛ برخی از این افراد زمانی با جمهوری اسلامی زاویه داشتند و چه بسا با تشیع هم زاویه داشته باشند، اما اکنون از جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند.

لذا باید گفت جنگ ما با اسرائیل و آمریکا و شهادت امام شهید، خود محور اتحاد میان مسلمانان شده است. بله، تقابل جمهوری اسلامی با کفر، با آمریکا و صهیونیسم، باعث شده مفتی‌های متعددی - غیر از علمای همراه که بسیار زیادند - که پیش‌تر همراه نبودند، اکنون با ما همراه شوند؛ و این را می‌توان در تقابل با کفار آمریکایی و صهیونیستی، به فال نیک گرفت.



سؤال:

آقای دکتر، این همدلی، همراهی و حضور چشمگیری که می‌فرمایید، باید مستند شود و منتشر گردد. آیا برای انتشار این اتفاقات، فکری شده است؟

پاسخ:

این عزیزان به طرز شگفت‌انگیزی پای کار بودند و در تشییع رهبری حضور داشتند. برای بازتاب این اتفاقات، کارهای زیادی انجام شده است. ما مستندی آماده کرده‌ایم با عنوان «موضع اهل سنت در جنگ دوازده‌روزه» که موضع اهل سنت داخل و خارج کشور را نسبت به امام شهید - در زمانی که در قید حیات بودند و جمهوری اسلامی ایران را رهبری می‌کردند - روشن می‌سازد. این مستند تقریباً چهل دقیقه‌ای است که ان شاء الله از صدا و سیما پخش خواهد شد و به روشنی نشان می‌دهد اهل سنت چگونه وسط میدان بودند و چگونه، هم در داخل و هم در خارج از کشور، حمایت و دفاع کردند. همچنین کتابی سه جلدی با نام «قیام قلم‌ها» نوشته شده که در آن، تمام بیانیه‌های اهل سنت در جنگ دوازده‌روزه و جنگ رمضان و حمایت‌شان از ایران اسلامی آمده است. کتاب دیگری نیز هست که کار آن تقریباً به پایان رسیده و آماده چاپ است و ان شاء الله به زودی منتشر خواهد شد؛ در این کتاب نیز بیانیه‌های علمای اهل سنت داخل و خارج از کشور را درباره جنگ رمضان، پیام‌ها و تسلیت‌هایی که برای شهادت امام شهید فرستادند، و حمایت‌هایی که از نظام جمهوری

اسلامی کردند، گرد آورده‌ایم. همه این‌ها نشان می‌دهد شیعه و اهل سنت، به معنای واقعی کلمه، کنار هم ایستادند. برای نمونه، پیش از جنگ رمضان، اغتشاشات هجدهم و نوزدهم دی را داشتیم؛ اما در مناطق اهل سنت، تقریباً هیچ منطقه‌ای را نمی‌بینید که گروهی از اهل سنت دست به اغتشاش زده و به جمهوری اسلامی آسیب زده باشد. این یعنی اهل سنت واقعاً در حمایت از نظام اسلامی، کنار شیعیان ایستادند و هیچ‌گاه نکوشیدند برای ما بحران ایجاد کنند.

البته برخی جریان‌های خاص و معلوم الحال در بعضی مناطق وجود دارند که می‌خواهند سنگ تفرقه بیندازند؛ برای نمونه، سخنگویی که می‌خواهد خود را بزرگ یا بلندگوی اهل سنت در ایران معرفی کند و گاه سخنانی هم می‌زند این شخص - که نمی‌خواهم نامش را ببرم - می‌خواهد خود را نماد اهل سنت جلوه دهد؛ اما این گونه افراد نماد اهل سنت نیستند و حتی در میان خود اهل سنت نیز جایگاهی ندارند. برای نمونه، همین شخص در نوزدهم دی، در نماز جمعه‌ای که داشت، مردم را به حضور در خیابان تشویق می‌کرد، اما همان اهل سنتی که پای سخنانش بودند، هیچ استقبالی نکردند. این نشان می‌دهد اهل سنت نیز، همچون شیعیان، از افراد تندرو دوری می‌کنند، خود را به اعتدال نزدیک می‌دانند و نظام و کشور را از آن خویش می‌دانند.



تعاملات علمی عالمان شیعه و اهل سنت؛ گامی مهم در استحکام بخشی به وحدت اسلامی

حجت الاسلام عطا الله غفاری



اپژوهشگر نقد و هابیت و جریان های تکفیری

طی قرون متمادی، تعامل سازنده ای میان عالمان شیعه و سنی در زمینه های علمی گوناگون و در نقاط مختلف جهان اسلام صورت گرفته است؛ برخی از عالمان امامیه در درس عالمان اهل سنت حاضر شده اند و برخی از عالمان اهل سنت نیز در محضر عالمان شیعی زانوی تلمذ زده اند. پرداختن مفصل به همه این تعاملات از حوصله این نوشتار خارج است؛ از این رو تنها به چند نمونه اشاره می شود.

شیخ مفید (درگذشت ۴۱۳ ق)

محمد بن محمد بن نعمان، مشهور به شیخ مفید، از متکلمان و فقهای نامدار امامیه در قرن های چهارم و پنجم قمری بود. او قرآن و علوم مقدماتی را نزد پدر آموخت و برای ادامه تحصیل همراه پدر به بغداد رفت و از محدثان،

متکلمان و فقهای برجسته شیعه و سنی بهره برد.^۱ شیخ مفید به توصیه استادش ابوبکر طاهر، شاگرد ابوالجیش، در درس علی بن عیسی رقیانی، متکلم معتزلی مذهب، شرکت کرد؛^۲ و رقیانی به سبب پاسخی که شیخ مفید به یکی از پرسش های او در مجلس درس داد، لقب «مفید» را به او بخشید.^۳ او خود بعدها در علم کلام صاحب کرسی درس شد و طلاب فرقه های مختلف در درس او حضور می یافتند.^۴

سید رضی (درگذشت ۴۰۶ ق)

محمد بن حسین بن موسی، معروف به سید رضی، از عالمان بزرگ امامیه در قرن پنجم، گردآورنده نهج البلاغه و برادر سید مرتضی است. او افزون بر تصدی منصب هایی چون نقابت، قضاوت در دیوان مظالم و امارت حج در دوره آل بویه، در طول زندگی علمی خویش نزد استادان متعدد شیعی و سنی دانش آموخت.^۵

۱. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، ص ۱۴۳.

۲. ابن ابی فراس، ورام، تنبیه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۲، ص ۳۰۲؛ سبحانی، جعفر، معجم طبقات المتکلمین، ج ۲، ص ۲۵۱.

۳. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۸.

۴. ابن کثیر، اسماعیل، البدایة والنهاية، ج ۱۲، ص ۱۹.

۵. جعفری، محمد مهدی، سید رضی، ص ۴۳-۴۲.



برداشت نادرست از وحدت اسلامی؛ مانعی در راه تحقق تمدن نوین اسلامی

حجت الاسلام ساسان علیمزادی



اپژوهشگر نقد و وهابیت و جریان های تکفیری

یکی از مهم ترین مباحث در حوزه وحدت اسلامی، تبیین صحیح فلسفه و هدف آن بر اساس قرآن کریم، مکتب اهل بیت (ع)، و اندیشه امام خمینی (ره) و رهبر شهید (ره) است. وحدت به معنای کنار گذاشتن اعتقادات یا یکی شدن مذاهب نیست، بلکه به معنای حفظ هویت مذهبی و هم صف شدن مسلمانان در مسائل مشترک و در برابر دشمن مشترک است.

یکی از استادان او، قاضی عبدالجبار معتزلی، متکلم مشهور اهل سنت بود^۱، و استاد سنی مذهب دیگرش، ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبری، فقیه مالکی، خانه اش را نیز به سید رضی بخشید^۲.

سید مرتضی (درگذشت ۴۳۶ ق)

سید مرتضی، برادر سید رضی، از دیگر مفاخر شیعه در قرن پنجم هجری است که افزون بر حضور در درس بزرگان شیعه همچون شیخ مفید، در درس عالمان اهل سنت همچون ابو عبیدالله مرزبانی معتزلی نیز شرکت کرد^۳؛ و از میان عالمان اهل سنت، خطیب بغدادی از او روایت نقل کرده است^۴.

شهید اول (درگذشت ۷۸۶ ق)

ابو عبدالله محمد بن مکی عاملی، معروف به شهید اول، از اعلام فقهای امامیه در قرن هشتم است که در محضر استادان بزرگ امامیه تلمذ کرد و خود فقیهی نامدار در میان فقهای شیعه شد. او افزون بر تحصیل نزد عالمان شیعی، از محضر عالمان اهل سنت نیز بهره برد؛ تا آنجا که اجازه روایت صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند ابی داود، مسند احمد بن حنبل، المستدرک حاکم نیشابوری و دیگر کتاب های حدیثی اهل سنت را از چهل نفر از عالمان اهل سنت مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق و بیت المقدس دریافت کرد^۵.

۱. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۴، ص ۱۸۴.

۲. ابن جوزی، جمال الدین، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۱۵، ص ۳۸.

۳. ذهبی، محمد، تاریخ الإسلام، ج ۹، ص ۵۵۷.

۴. خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۴۴.

۵. شهید اول، شمس الدین محمد، رسائل الشهد اول، ص ۳۰۷.



فرع وحدت؛

[ابزارهای تقویت همگرایی]

حرمت توهین به مقدسات مذاهب، هفته وحدت، نشست‌های تقریبی، تقویت روابط اجتماعی و مشارکت اهل سنت در مدیریت مناطق سنی‌نشین، از اقدامات ارزشمند وحدت‌آفرین‌اند؛ اما این امور فرع وحدت به‌شمار می‌روند و نباید جای اصل وحدت را بگیرند، یعنی نباید با پرداختن صرف به امور فرعی، از اصل وحدت غافل شد.

وحدت به معنای دست‌کشیدن شیعه از اعتقادات خود یا کنار گذاشتن باورهای اهل سنت نیست، بلکه هر دو مذهب می‌توانند هویت اعتقادی خود را حفظ کنند و در مسائل مشترک همکاری نمایند؛ یعنی شیعه و سنی در کنار هم، بنا بر دستور قرآن، در برابر دشمنان خود نیرومند شوند،

قرآن کریم می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ «همگی به ريسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید». همچنین می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۱. بنابراین، اختلاف مذهبی نباید به دشمنی و رویارویی مسلمانان با یکدیگر بینجامد.

اصل وحدت؛

[همگرایی در برابر دشمن مشترک]

اصل وحدت، آن است که شیعه و اهل سنت، با حفظ اعتقادات و هویت مذهبی خود، در مسائل مشترک امت اسلامی در یک جبهه قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های این همگرایی، دفاع از سرزمین‌ها و مقدسات اسلامی و مقابله با اشغالگری و سلطه بیگانگان است.

قرآن کریم درباره مقابله با تجاوز می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا»^۲ و درباره دفاع از مظلومان می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ»^۳. بر این اساس، مسئله فلسطین و قدس شریف موضوعی مربوط به کل امت اسلامی است و مسلمانان شیعه و سنی می‌توانند، با وجود اختلافات مذهبی، در حمایت از مظلومان و مقابله با اشغالگری موضعی مشترک داشته باشند.

۱. آل عمران: ۱۰۳.

۲. حجرات: ۱۰.

۳. بقره: ۱۹۰.

۴. نساء: ۷۵.

۵. بیانات رهبر شهید در اجتماع زائران و مجاوران حرم

مطهر رضوی (ع)، ۱۴/۰۱/۱۳۸۷.



چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۱. بنابراین، وحدت حقیقی باید به هم‌افزایی ظرفیت‌های مسلمانان برای دفاع از امت اسلامی و مقابله با تجاوز و سلطه دشمن بینجامد.

هدف وحدت؛

[از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی]

رهبر شهید (ره) درباره عوامل ضعف امروز مسلمانان فرمودند: «در دایره‌ای وسیع، رمز پیروزی امت اسلامی وحدت کلمه است. اگر امت اسلامی می‌خواهد در میدان‌های علم، ترقی، پیشرفت مادی، تسلط بر سرنوشت خویش، رهایی از سلطه بیگانگان و سعادت درونی و بیرونی پیشرفت کند، راهش با کلمه توحید و توحید کلمه است. مراکز قدرت استکباری که از هر عاملی برای تحکیم قدرت خود بر دنیا استفاده می‌کنند، تلاش کرده‌اند در دنیای اسلام از هر وسیله‌ای برای تجزیه، تفرقه و اختلاف بهره ببرند که

متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شده‌اند. اگر امروز، ملت فلسطین دچار چنین سرنوشت تلخی شده و پیکرش خون‌آلود است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است و اگر امروز، کشورهای خاور میانه با فریادهای مستانه و مغرورانه آمریکا تهدید می‌شوند، باز هم به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است. اگر مسلمانان می‌خواهند از این خفت نجات یابند و فلسطین رانجات دهند، و اگر می‌خواهند در افغانستان، عراق و دیگر بلاد اسلامی دشمن نتواند جسم و جان مسلمانان را زیر فشار قرار دهد، راهش وحدت کلمه و وحدت ملت‌ها، دولت‌ها و شعارهاست.^۲»

۱. انفال: ۶۰.

۲. بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار کارگزاران نظام،

۱۳۸۲/۰۹/۰۵.



وحدت؛

[مقدمه تحقق تمدن نوین اسلامی]

«یکی از اهداف نظام جمهوری اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است: تمدنی اسلامی با نگاه به ظرفیت‌های امروز و حقایق و واقعیت‌های امروز. این کار جز با اتحاد شیعه و سنی امکان‌پذیر نیست؛ این را تنها یک کشور و یک فرقه نمی‌تواند انجام دهد؛ برای این کار باید همه با هم همکاری کنند.»^۱

۱. بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۲/۰۸/۱۴۰۰.

نتیجه‌گیری

بنابراین، وحدت اسلامی نباید صرفاً به همایش، شعار یا پرهیز از توهین محدود شود. وحدت حقیقی یعنی شیعه و سنی، ضمن حفظ هویت اعتقادی خود، در مسائل مشترک امت اسلامی هم‌افزا شوند، از مظلومان حمایت کنند، در برابر اشغالگری و سلطه بیگانگان بایستند و ظرفیت‌های خود را برای عزت و پیشرفت جهان اسلام به کار گیرند. چنین وحدتی می‌تواند زمینه‌ساز انسجام امت اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.